



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
۱۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب منتخب الرضیة (منتخب روضة السعداء)

مؤلف عبدالحکیم بن مرشد گلپای

مترجم

شماره قفسه ۱۷۴۴۹ - ۷۴۴۹



مجلس شورای اسلامی

شماره ثبت کتاب

۲۸۶۱۴

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب منتخب الرضیة (منتخب روضة السعداء)

مؤلف عبدالحکیم بن مرشد گلپای

مترجم

شماره قفسه ۱۷۴۴۹ - ۷۴۴۹



مجلس شورای اسلامی

شماره ثبت کتاب

۲۸۶۱۴

کامیاب است و فی آن حضرت در باب الطهاریه گفته که حقیر در این باب جمیع مایه حیوان
و در حسن و قبحه شروع در این مایه نمود و در آن راستی می بینم که اگر در حقنه ساقم و آن متصل
راست را بکند نه دست بر فضل و خاتم امید را در کستان و دهر او داران را بر میست
و نه که اگر در این نسخه را مقبول متفق شود از خود خوانده کان و دشمن خود کان و در کمر کشیده
کان این نیز رایج باشد و فرامیاید که شاید این مایه و سببه مستحب باشد و درم در خفشان سببه
و چون حضرت خاتم الاولاد و علیا و علی بن ابی طالب سببه است و محبوب شده است
این را و سببه و جمیع جهان شده اولیا و در مایه مستند است و گفت که علی و سببه الله
عزیز قال اینها پس مثل است بر دو باب بهر که در حدیث معتبر دارد
شده که من سبب شایسته آن بود و بعضی به کان و در آن لم یکن می بیند هرگاه کسی نقل کند
که فلان کار و نواب دارد و شخصی با سببه نواب انگار را بکند خدا را نواب اینم و نواب
با و غلط فرماید اگر چه اینم با نقل دروغ گفته باشد و اینم نقص است بر در دو کاست
و این حدیث معمول به فقهاست و مستهور در میان راست است که در احکام مستحب
و حاشی در آداب با حدیث ضعیف عمل می توان کرد و بعضی در احوال را هم ساقیه و
و در آن مایه هرگاه خبر ضعیفی یا سببه باشد جایز است که حدیث او را بطلان از
نقل کند و در این باب را حدیث صحیح از آنکه تا بر نمی دور در شده پس عمر گفته

ماخض

کلیه معانی عالم قدس نورانی خود را در قفسی بخت و بلا در صفت و ذکر گرفته و بنده میباید
عالم قدس را در جری که اینان خلاف خواست نفس را برادره خلاف جوازش برادر
دارد کشد از برابر او فرو فرو خود را به آبرو آنگاه بر جلی غبار و روشن شود حیوانات
بسیار در خواست بسیار از مبدء افلاک و در همه جمع افلاک از انبساط در اجزاء
بسیار دارد و شده در این چرخه است که در اولیا همیشه محبت و جوار از خدا می کشند و در
بند است و احسنی و در جری از دنیا بایست که در مبدء او از انوار نور و استغفار و استغفار
خود می کشد و در جری بسیار دارد و در اولیا همیشه استغفار و بنده میباید
حضرت خاتم الانبیا و خلفا و اولادها را حضرت که نفوس شریفه اینان را بکلی نفوس
فکر اندازند مشیت نفس را به رانگی که داشته جمیع در نظر ستم است دنیا نبوده اند
چنانکه از در حواله که ران اینان معلوم است و دنیا را که ستم از آن در این چرخه
خود را هر ستم که همیشه طالب طلب عالمه و مستغرق در بار قرب بوده اند و هر چه
باعت قرب میشد و از بیشتر طالب بودند و معلوم شد که اینان در حال استقامت
در استقامت که حضرت الله در زمین می ظاهر میشود که جناب ختمی است که نفس نفس
را بکلی نفوس شریفه بوده محبت و از در اولادها که کسی نیست بوده چنانکه خود می کشد
مایه که خدا و در این است مشا و در است یعنی این دو محبت که از در شرف است این

رسیده بهر پیغمبری رسید و چون نفوس شریفه ایشان در کمال قوت و معرفت
عالیه گرفتار العین الیقین مشاهده نمودند لهذا در مقام جلالت مراتب عبودیت
ثبت قدم و در صفی تقیض اسرار الهی بودند و خدا را در لغت و در لغت و در لغت
کمال تحقیر و استعجاب و ادب و انبساط و از غایت حیران و استعجاب و از غایت
حیران و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت
و تقصیر و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت
در آینه استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت
چهارم که گفتند که اینها یعنی جان باخت و در راه پیغمبری کمال قوت و معرفت
شما تا به این که در صفی تقیض اسرار الهی بودند و خدا را در لغت و در لغت و در لغت
و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت
در آینه استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت
چهارم که گفتند که اینها یعنی جان باخت و در راه پیغمبری کمال قوت و معرفت
شما تا به این که در صفی تقیض اسرار الهی بودند و خدا را در لغت و در لغت و در لغت
و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت
در آینه استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت حیران و استعجاب و از غایت

از اینجای که در این کتاب گفته اند که در دنیا از هر کسی که خوشتر است و در دنیا
در آخرت بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
مستحق است که این را بداند و در آخرت بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
چون است که بعضی از این نفوس معتقدند که در دنیا بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
عذاب جهنم خواهد بود و این را بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
قدوس است که این را بداند و در آخرت بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
بدوستان و دشمنان خود را بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
و اینان آمده و از دروازه اش از جهنم جاری شود و چنانکه اکثر جهنم را در حال این
است ظاهر آنست که در این دنیا بسیار است و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
که این مقصود است و در آخرت بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
و فکر و اندیشه و در آخرت بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
بر این مرتبه خواهد شد و این را بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
مستحق است که این را بداند و در آخرت بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
و در بعضی از این کتب که در این دنیا بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
و در بعضی از این کتب که در این دنیا بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد
و در بعضی از این کتب که در این دنیا بدو پادشاهی می دهد و در آخرت بدو پادشاهی می دهد

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

و در میان بر کس را نشنید و یکی از این طایفه شریفی را که از آنجا می آمدند حضرت خود را در
مسکانه از حضرت زین العابدین شنید و آنکه از این طایفه می آمدند که حضرت گفته شد پس تو هم خدا را
خود را که در آنجا می آمدی و در آنجا می گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
گفته شد و آن را در آنجا می گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
کسی را در آنجا می گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
خاکت که استخوان من است و پس جادوی بس کرده و در آنجا می گفتی که خداوند منم
پس در میان بود که گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
تو گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
بیادرم پس با خودم می آمدم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بودی برسان و حال مراد بعضی دی برسان پس آن زن بگفت که خداوند منم
گاه که بسید که مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
و چون غلبه آن زن بگفت که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
که هر دم گشت بر من و در آنجا می گفتی که خداوند منم
در میان خاک و خون پس از آنکه گفتی که خداوند منم

که این تفریح در میان خون افتاد و هنوز در میان آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
پس در میان بود که گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
تو گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
بیادرم پس با خودم می آمدم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بودی برسان و حال مراد بعضی دی برسان پس آن زن بگفت که خداوند منم
گاه که بسید که مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
و چون غلبه آن زن بگفت که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
که هر دم گشت بر من و در آنجا می گفتی که خداوند منم
در میان خاک و خون پس از آنکه گفتی که خداوند منم

گفته شد و حضرت زین العابدین را که در آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
تو گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
بیادرم پس با خودم می آمدم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بودی برسان و حال مراد بعضی دی برسان پس آن زن بگفت که خداوند منم
گاه که بسید که مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
و چون غلبه آن زن بگفت که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
که هر دم گشت بر من و در آنجا می گفتی که خداوند منم
در میان خاک و خون پس از آنکه گفتی که خداوند منم

گفته شد و حضرت زین العابدین را که در آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
تو گفتی که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
بیادرم پس با خودم می آمدم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بودی برسان و حال مراد بعضی دی برسان پس آن زن بگفت که خداوند منم
گاه که بسید که مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
مراد بعضی دیگر از آنجا می آمد و در آنجا می گفتی که خداوند منم
و چون غلبه آن زن بگفت که خداوند منم و در آنجا می گفتی که خداوند منم
که هر دم گشت بر من و در آنجا می گفتی که خداوند منم
در میان خاک و خون پس از آنکه گفتی که خداوند منم

فاس

دشمن

[illegible]

۱۳

[illegible][illegible]

6137

12

[illegible][illegible][illegible][illegible]

۱۲۱

91

مزار

72

[illegible]

4

[illegible][illegible]

1

[illegible]

100

01

44

84

[illegible][illegible][illegible][illegible]

1909

25

22

بخوان

✓ 13

4

Y5

— ۱۱۱ —

AA

24

27.

[illegible][illegible][illegible][illegible]

143

1. V

(12)

10A

Oct 2

192

10

172

البر والناموس

119

113

14.

کرم

141

کے لئے اور

174

12

127

18

124

3

[illegible][illegible][illegible]

عمر و اندام حقیر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام
موسى عليه السلام
موسى عليه السلام



142

[illegible]

Handwritten text in Persian script, likely a signature or date, located in the upper right corner of the page.

الفرقة العنصرية

1044

چندین سال پیش
در روز ۱۴ اردیبهشت
۱۳۰۴

در این وقت مردم در مسجد حاضر شدند
 و از آن که در روز ظاهر آمدید گفتند
 که از آن که در روز ظاهر آمدید گفتند
 که از آن که در روز ظاهر آمدید گفتند

200

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۱۷۴۴۹